

نشریه رقیب

به صاحب امتیازی بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان - شماره ۷۲

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ
وَتَسْتَغْفِرُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي،
السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا
تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ

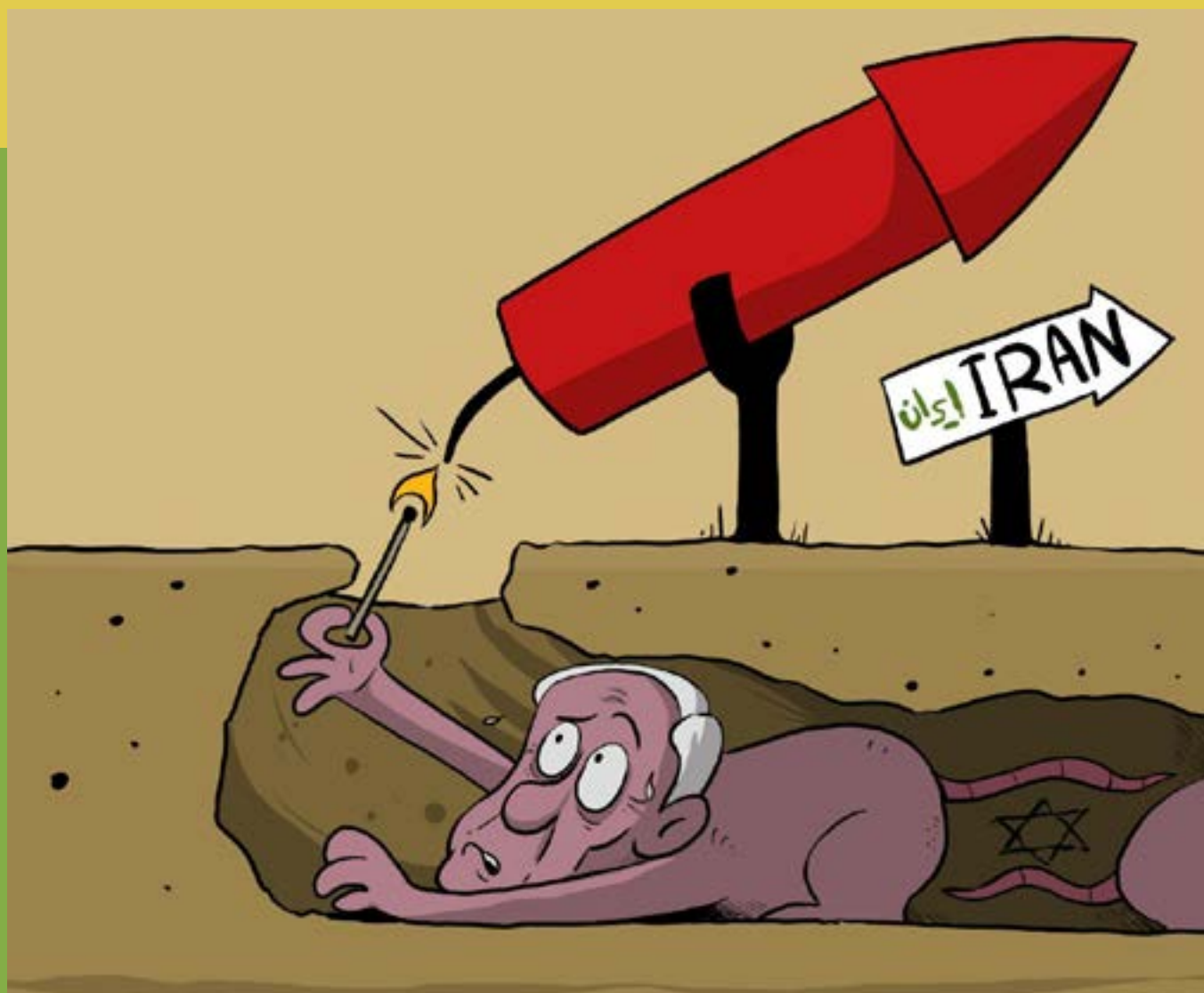
سلام بر تو هنگامی که بر می خیزی،
سلام بر تو زمانی که می نشینی، سلام بر
تو وقتی که می خوانی و بیان می کنی،
سلام بر تو هنگامی که نماز می خوانی و
قنوت بجا می آوری، سلام بر تو زمانی که
رکوع و سجود می نمایی، سلام بر تو وقتی
که تهلیل و تکبیر می گویی سلام بر تو
هنگامی که سپاس و استغفار می نمایی؛
سلام بر تو زمانی که صبح و شام
می کنی، سلام بر تو در شب هنگامی که
می پوشاند و در روز وقتی که آشکار
می شود، سلام بر تو ای پیشوای امین،
سلام بر تو ای پیش نهادهی آرزو شده،
سلام بر تو به همه سلام ها.

دعای افتتاح



بی بی کجا می تواند باشد؟

بی بی بیچاره قبلا در این وضعیت بود :



اما حالا در این وضعیت است :



فهرست

زندگی دانشجویی به سبک رقیب: آزادی اندیشه، حق مردم، رقابت برای فردا

پرده اول

جشن نزدیک است
سکوت یا تحلیل؟ مسئله این است
پیام های راهبردی پاسخ ایران
چند بیت رجز ناب
یادداشت دانشجویی
مدیریت اضطراب در شرایط سخت
هشیار باشید

پرده دوم

از علی بیاموزیم
نامه ای از نسل چهارم جمهوری اسلامی
ایران
فهرست کوچکی از ترور های دانشمندان
گوشه ای از افتخارات سربازان ایران
یک مجاهد بی مرز
سوخت واقعی موشک های ایرانی
یادداشت دانشجویی
برای شهیدان بی صدا

پرده سوم

تهران، پایتخت جدید مقاومت
جنگ با اسرائیل و رستاخیز شیعه
یادداشت دانشجویی
دانشگاهیان، تعیین کننده پایان این جنگ
آخرالزمانی
دانشگاه زیر لنز رقیب

پرده چهارم

پرده چهارم
مراتب سپاس و تشکر



مدیرمسئول: فاطمه مختاری سردبیر و صفحه آرا: صبا حسن زاده

مدیر عکس و رسانه: زهرا حضرتی

اعضا تحریریه: حورا اخوان فرید، زهرا شیخ حسنی، زهرا بهاری، مریم امیرانی، پژوهشکده شهید شهریار، سارا رجبی فر، عادلہ آقار، فاطمه خلیلیان، مریم ادیبی، شیما معینی، زهرا حضرتی، خدیجه آقائی، محمد هادی چترایی، صبا حسن زاده

اساتید همکار: دکتر ابوالحسن فیاض انوش، دکتر رضا صادقی



۴ پرده اول

ما همه مردمان یک سرزمین بودیم؛ یک سرزمین سرسبز و یک سرزمین آزاد، سرزمین سرسبزی که وقتی کلاس اول بودیم و از روی کلمه ها دیکته می نوشتیم سرسره، سر تا سر، سرباز و سرسبز... به اینجا که می رسیدیم مداد نامتوازن تراش شده مان را می گذاشتیم روی نیمکت، دستانمان را تا جایی که مانتو قرمز-سرمه‌ای مدرسه‌مان اجازه می داد می بردیم بالا و اجازه می گرفتیم که بپرسیم: «بخشید خانم! سرسبز یعنی چه؟». ما مردمی بودیم که بغل دستی هایمان که همیشه خدا به جای لوحه نوشتن و کار دستی درست کردن زیر میز نقاشی می کشیدند، دستشان را بالا می آوردند و می پرسیدند: «چرا ایران کشوری سرسبز است؟»... الرفیق ثم طریق، ثم بریق، ثم حریق و ثم هر چیز دیگری؛ ما مردمی بودیم که این رقم رفیقانی داشتیم و مردمی بودیم که معلم آن سال اول ابتدائی شعبه دوم دبستان دخترانه حضرت معصومه (س) به ما و دوستانمان جواب می داد: «چون ایران کشوری کوهستانی بوده و مردمش در «قله ها» درخت گردو می کاشته اند، از دید ناظران کوه ها سبز به نظر می رسیده و واژه سرسبز از همین جا منشأ گرفته.» نمی دانم چرا با وجود این همه دلآوری ها و رشادت ها و نجابت های ما ایرانی ها امشب برای توصیف خودمان این خاطره دور به ذهنم رسید؛ اما خدا قله ی هیچ قومی را سبز نمی کند مگر اینکه خودشان بخواهند....

اما خدا قله ی هیچ قومی را سبز نمی کند مگر اینکه خودشان بخواهند....



در کمد رو باز کرده بودم و داشتم لباس سبز قشنگمو با شوق نگاه میکردم ... لباسی برای عید غدیر، برای روزی که بوی مولا علی (ع) کوچه‌ها را پر می‌کند، روزی که دل‌ها قرار است به نور ولایت روشن شود... داشتم به جشن فردا فکر می‌کردم، به چراغانی‌ها، به سلام بر امیرالمؤمنین... که ناگهان خبر رسید. خبری که شادی غدیر را در گلویمان به بغض مبدل کرد، اشک را مهمان چشم‌ها کرد و دل‌ها را آتش زد. باز هم نیمه شب بود... نیم شبی آرام، شبی که کودکی، چشم بر جهان بست تا در خواب‌های شیرینش پرواز کند. اما دستان پلید صهیونیسم، حتی خواب‌های معصومانه را به خون کشید. دخترکی کوچک، در بستر گرم خانه، قربانی کینه‌ی شیاطین زمان شد. رؤیایش ناتمام ماند و خون مظلومش، خاک وطن را رنگین کرد... و باز جهان، رسواتر از همیشه، سکوت کرد؛ سکوتی تلخ‌تر از هزار فریاد.



آری، جهان همین‌قدر وقیح، ظالم و درهم است. جهانی که سازمان‌های پرزرق و برقش بندگان صهیونیسم‌اند؛ دست بسته، دهان دوخته، چشم بر جنایات و خون ریزی‌ها بسته‌اند. در چنین جهانی، چگونه می‌توان حیات و امنیت خویش را تضمین کرد؟ جز با توکل بر خدا، تکیه بر دستان توانای حیدر کرار، جز با پناه بردن به نام امیرالمؤمنین علی (ع)، جز با ایستادن بر قله‌های استقامت و آزادگی؟

ایران راه شرف را برگزیده است و این راه، راهی بی‌بازگشت است؛ راهی که شکست ندارد. ما فرزندان غدیر، ما سربازان علی، در برابر این پلیدی‌ها هرگز زانو نخواهیم زد. خون‌های پاک بر خاکمان، چراغ راه ماست. مظلومیت امروز، طومار ظلم را فردا خواهد درید.

بخواب ای دختر نازنین وطن... بخواب که ما بیداریم و انتقام خواب پرپر شده‌ات را خواهیم گرفت.



سکوت یا تحلیل؟ مسئله این است!

« وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ »

ساعت را برای شش صبح آماده کرده بودم که زنگ بزند. زنگ زد. خاموش کردم و دوباره خوابیدم. دو دقیقه طول کشید تا با صدای پدرم که با صدای تقریباً آرامی گفت: (اسرائیل زده؛ خدا لعنتشون کنه)، بیدار شوم. این جمله برای بیدار کردن نسلی که عادت کرده به شنیدن خبرهای ناگوار صبح‌گاهی کافی است. با سرعتی وصف نشدنی از رخت‌خواب پریدم و به سمت تلویزیون رفتم. باز هم همان خبرهای ناگوار صبح‌گاهی! دیگر حتی برایم تعجب ندارد، شگفت‌انگیز نیست. واقعاً نیست. فقط غم دارد؛ و خشم! خشم. و خشم. از شنیدن خبر شهادت فرماندهان و دانشمندان و هموطنانم تنها احساس خشم دارم؛ احتمالاً کمی باید بگذرد تا غمگین شوم. خشمم وقتی بیشتر می‌شود که در خبرها می‌فهمم مردم غیرنظامی هم هدف قرار گرفته‌اند. و خشم، و خشم! مگر می‌توانم خبر شهید شدن بچه‌های خردسال ایرانی به دست غده سرطانی را بشنوم و خشمگین نشوم؟

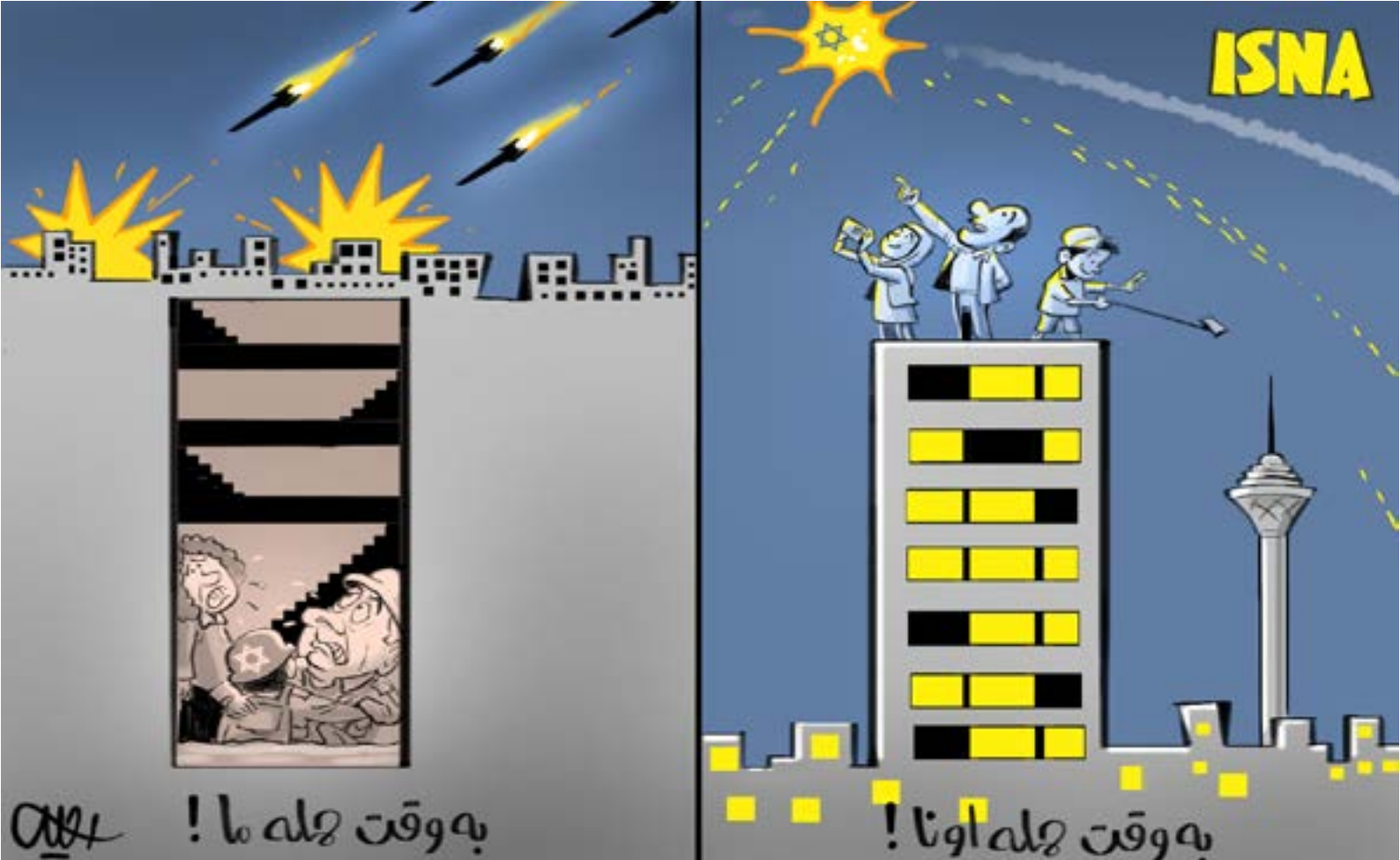
تا زمانی که اولین موشک‌ها را به سمت سرزمین‌های اشغالی روانه کنیم، من فقط خشم بودم؛ و در همان حال باید سعی می‌کردم با خانواده و اطرافیان و دوستانم خوب رفتار کنم، آرامشان کنم، یا شوخی کنم! از همان شش صبح که از رخت‌خواب دل‌کندم و به سوی تلویزیون دویدم، تا بعد از نیمه شب، خانه‌ی ما همانند پایگاه‌های خبری شده بود که در وضعیت جنگی، به‌هم‌ریخته‌تر از همیشه می‌شوند. با این تفاوت که مادرم اجازه نمی‌داد به عنوان خبرنگار، بروم گزارش میدانی تهیه کنم! و اما چیزی که در این ساعت‌ها بیشتر از داغ‌های بر دل نشسته اذیت می‌کند، تحلیلگرهای وطنی! تحلیلگرهای عزیزی که در فامیل، در جمع دوستان، در محله، در صف نانوايي، در گروه مجازی خوابگاه دانشگاه، در هوا، در خشکی و در دریا، در همه‌جا هستند و نظرهای گویبار و کارشناسی شده‌ی خودشان را بر همگان عرضه می‌کنند، می‌توانند به این فکر کنند که سکوت نیز زیبا و دل‌انگیز است. در هر حال می‌دانستیم که دیر یا زود ما هم می‌زنیم!

البته که « وَ مَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى »؛ تنها چیزی که می‌تواند از غم و خشم ملت چیزی کم کند، پاسخ به گستاخی دشمن است. با این حال من همچنان خشمگینم، هنوز دارم تصاویر بچه‌هایی که در این حملات شهید شده‌اند را می‌بینم، هنوز فرصت نکردم برای فرماندهان و دانشمندانی که شهید شدند گریه کنم، چرا که الآن زمان اشک ریختن نیست بلکه زمان آن است که نگذاریم فرصت نابودی قاتلان انسانیت از دستمان برود! منتظریم تا مسئولیت‌مان تمام شود، یا حداقل کمتر شود. در فرصتی درست برای داغ‌های بر دل نشسته گریه خواهیم کرد.

زهرا شیخ حسنی

کارشناسی زبان و ادبیات عربی





پیام های راهبردی پاسخ ایران

بزن و پاسخ نگیر».

۲. شکستن هیمنه امنیتی اسرائیل: سیستم پدافندی گنبد آهنین، که سالها به عنوان نماد نفوذناپذیری تبلیغ می شد، در برابر حملات همزمان پهپادی و موشکی ایران، دچار اختلال جدی شد. تصاویر دود، انفجار و صدای آژیر در تل آویو، تصویر تازه ای از جنگ ترسیم کرد.

۳. توازن جدید قوا: ایران نشان داد که برخلاف گذشته، فقط در زمین های نیابتی نمی جنگد. از این پس، تهدید مستقیم به ایران، پاسخ مستقیم خواهد داشت. این یک تغییر بنیادین در موازنه قدرت خاورمیانه است.

عصر بی پاسخی به پایان رسیده است! اسرائیل همواره سعی کرده با پیشدستی در تهاجم، ابتکار عمل را در اختیار بگیرد. اما پاسخ ایران، با حجم سنگین و هوشمندانه، این خط قرمز را در هم شکست. اکنون، دیگر تهران سکوت نخواهد کرد؛ بلکه **پیش از آنکه خاک ایران تهدید شود، دشمن باید پیامدهای سنگین تصمیمات خود را محاسبه کند.**

«فَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا مِثْلَ مَا عُوِقِيتُمْ بِهِ»
(نحل: ۱۲۶)

پس اگر کیفر می دهید، به همان اندازه که به شما ستم شده کیفر دهید. در شرایطی که رژیم صهیونیستی با حمله ای ویرانگر به خاک ایران، بار دیگر ماهیت تجاوزگر و ضدبشری خود را به نمایش گذاشت، **پاسخ کوبنده و چندلایه جمهوری اسلامی ایران به این اقدام، نه تنها انتقامی به حق، بلکه اعلام یک دکترین بازدارنده جدید در منطقه بود.** ایران، این بار نه تنها هشدار نداد، بلکه با قدرت و دقت، تلافی کرد؛ بیایید با هم ابعاد راهبردی پاسخ ایران را بررسی کنیم: پاسخ موشکی و پهپادی ایران به مراکز حیاتی نظامی در سرزمین های اشغالی، یک اقدام نمادین نبود، بلکه دارای سه پیام کلیدی راهبردی بود

۱. اصل پاسخ مستقیم: ایران برای نخستین بار به طور رسمی، از خاک خود و با امضای آشکار نظامی، به خاک اسرائیل حمله کرد. این یعنی پایان دکترین «ضربه

پاسخی فراتر از انتقام در انتظار است! این اقدام ایران، صرفاً انتقام نبود، بلکه یک نمایش اقتدار ملی و استقلال راهبردی بود. **حمله موشکی همزمان با انسجام دیپلماتیک و پیام های هشدار در سازمان ملل، نشان داد که ایران در عین صلابت، اهل حکمت نیز هست.**

این پاسخ، نه از موضع ضعف، بلکه از جایگاه یک کشور مقتدر منطقه ای بود که نشان داد امنیت خود را به دیگران واگذار نخواهد کرد، و دشمنان را از هر توهمی برای حمله مجدد، بازخواهد داشت.

و حالا درباره خودمان:

ما، دانشجویان این سرزمین، نه فقط ناظر بلکه بخشی از این ایستادگی تاریخی هستیم. ما با قلم، تحلیل و آگاهی، همان گونه می جنگیم که رزمندگان با سلاح. ما در برابر دشمنی که دانشمندان و استادان ما را هدف می گیرد، ما با تفکر و هشیاری، دشمن را شکست می دهیم. این بار سکوت نکردیم، این بار دشمن پاسخ گرفت و این بار، توازن تغییر کرد.....

زهرا بهاری آمار
دانشگاه شهید بهشتی

چند بیت رجز ناب!

شروع ناگهانی داشت، طوفانی که حرفش بود
رسید از شش جهت سچیلبارانی که حرفش بود

رسید از سررسید فتح، آن روز تماشایی
رسید از سنگر فرمانده، فرمانی که حرفش بود

برای انتقام خون دلهایی که می‌خوردیم
فرود آمد همان شمشیر برآنی که حرفش بود

و حالا دشمن است و صبح کابوسی که می‌گفتیم
و حالا دشمن است و عصر خسرانی که حرفش بود

بشارت باد گل‌ها را به فروردین روییدن!
که نزدیک است آن سرسبز دورانی که حرفش بود..

بیا و گوش کن! از قدس دارد می‌رسد کم‌کم
همان صوت صمیمی، صوت قرآنی که حرفش بود

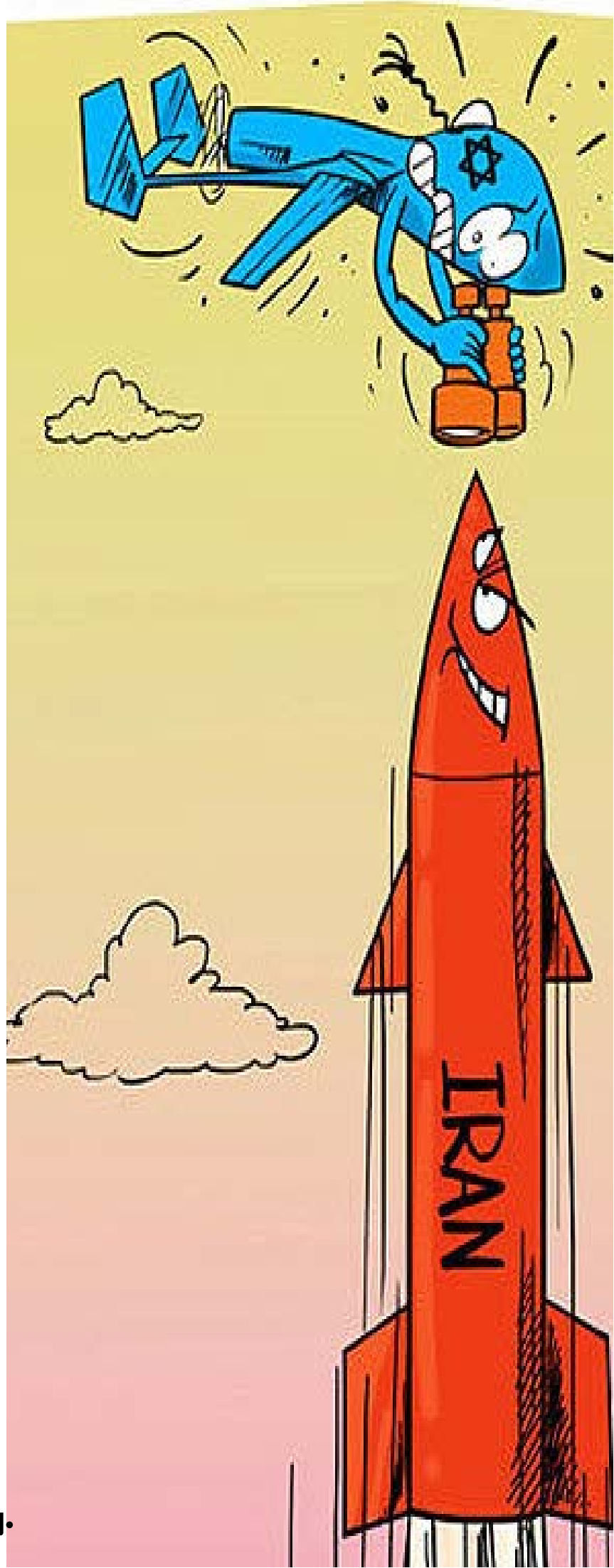
کسی «و الفجر» می‌گوید، کسی «و الفتح» می‌خواند
کنار طبل آن جنگ نمایانی که حرفش بود

به دست ما نوشته می‌شود بر مصحف تقدیر
برای داستان قدس، پایانی که حرفش بود

شاعر: فاطمه عارف نژاد

ارسالی از:

مریم امیرانی
زبان و ادبیات عربی



یادداشت دانشجویی



به فرزندانان بگویید،
کشور ما زمانی هدف قرار گرفت
که در حال #مذاکره با امریکا بودیم،
در سوریه حضور نداشتیم،
کسی #مرگ_بر_آمریکا نمی گفت،
پرچمهای #فلسطین از ورزشگاه ها جمع شد،
#جلیلی رئیس جمهور نبود،
اف ای تی اف و #پالمو هم تصویب شده بود.....

ارسالی از:

بچه های پژوهشکده شهید شهریار دانشگاه اصفهان

و کاری پیدا کنید که منفعت عمومی داشته باشد. کاری که انجام می دهید لازم نیست مربوط به جنگ باشد. حتی تمیز کردن کوچه و یا کمک به کارگر فضای سبز یک کار مفید در شرایط جنگی است که فکر شما را از افکار منفی تخلیه می کند.

۴- استفاده از تسبیح

حتی اگر مذهبی نیستید در لحظه های بحرانی از متون مذهبی نمازها و اذکار طولانی پیدا کنید و آنها را مطابق با سنت دینی انجام دهید. به عنوان نمونه نماز جناب جعفر با ذکرهایی که دارد یک تا دو ساعت زمان می برد. برای لحظه های بی خوابی یک تسبیح در کنار رختخواب داشته باشید و اگر خوابتان نمی برد صد بار سوره حمد را بخوانید. با این شیوه می توانید تنش را به آرامش تبدیل کنید و در زمان جنگ در درون خود صلح را تجربه کنید. تکرار اسم های الهی آرامش معنوی و ماندگاری به دنبال دارد و تمایل به تحقق این اسم ها، جان و جهان را در درون شما زنده و تقویت می کند.

شرایط جنگی می تواند استرس و اضطراب شدیدی ایجاد کند. در جنگ آسیب روانی، بسیار بیشتر از آسیب جسمی است. در اینجا برخی راهکارهای مؤثر برای مدیریت اضطراب و حفظ آرامش در دوران جنگ ارائه شده است:



بدهید. قبل از اینکه با فردی روبرو شوید، به این مطلب فکر کنید که چگونه می توانم در کاهش تنش درونی به او کمک کنم. حتی برای برخورد با افراد غریبه در یک فرصت کوتاه هم برنامه داشته باشید.

۳- کار بدنی

کارهای بدنی مانند ورزش و کوهنوردی بدن را درگیر و ذهن را رها می کنند. البته در شرایط جنگی جامعه پذیرای کارهایی داوطلبانه است و بهتر است انرژی بدن برای کاری مفید و معنادار مصرف شود. حتی اگر اعلام نیاز نشده است خودتان داوطلب شوید

۱- محدود کردن مصرف اخبار

اخبار جنگ عامل اصلی اضطراب است. این عامل باید مدیریت شود. ما نیازی نداریم جزئیات جنگ را بدانیم. روزی یک بار عنوان های خبری را مرور کنید و گفت و گوها را نیز طوری مدیریت کنید که بیان اخبار جنگ و تحلیل آنها کمتر شود. (اگر مذهبی هستید نذر کنید هر بار که در گوشی اخبار جنگ را مرور کردید، بعد از آن سوره واقعه را نیز بخوانید. به این شیوه کمتر به اخبار سر می زنید و هر بار که اخبار را خواندید، یک متن آرامش بخش را نیز قرائت کنید.)

۲- کاهش تنش برای عزیزان و اطرافیان

عزیزان و اطرافیان شما گرفتار تنش مشابهی هستند. برای کاهش تنش آنها برنامه داشته باشید. بیشتر از قبل دورهمی و مهمانی داشته باشید. به آشنایان زنگ بزنید و احوال آنها را بپرسید و سعی کنید به آنها آرامش





هشیار باشید

صبور باشید و با ایمان، برای نیروهای مسلح مقتدر کشورمان دعا کنید و برای هر سناریویی آماده باشید.

در حالی این متن را می نویسم که دو مرحله از مذاکرات شکست خورده است، در مرحله سیوف و فاز نظامی و تقابل با دشمن هستیم. احتمالا، احتمالا، پایان این نبرد اینگونه رقم خواهد خورد: دشمن پرچم سفید صلح را بلند خواهد کرد! چرا؟! چون اسرائیل شخم زده خواهد شد! صبور باشید، دعا کنید، هشیار باشید، با منافقین داخلی و شروران، برخورد قاطع کنید که از قافله عقب نمانیم. ما نباید شکست بخوریم که این، یعنی عقب افتادن از خیلی چیزها...

امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: « قومی در مشرق (ایران) خروج (قیام و انقلاب) می کنند. حق خویش را از دشمن مطالبه می کنند ولی به آنان داده نمی شود، برای بار دوم، حق خویش را از دشمن مطالبه می کنند اما به آنان داده نمی شود، وقتی چنین می بینند، سلاح های خویش را بر گردن خویش می افکنند (یعنی قدرت نمایی نظامی یا حمله به دشمن)، پس آنچه می طلبند به ایشان می دهند ولی از پذیرفتن آن خودداری می کنند، تا اینکه قیام کرده و پرچم حکومت خویش را به امام عصر تحویل می دهند، کشته های این انقلاب، شهید محسوب می شوند، بدانید اگر من آن زمان را درک کنم، حتماً خود را برای امام مهدی (عج) نگاه می داشتم. (الغیبه نعمانی صفحه ۲۷۳)

با توکل بر خدا، از صاحب مان مدد می خواهیم.



پرده دوم

ما اینطور مردمی بودیم و هنوز هم هستیم! اینطور مردمی که در خط مقدم هندوانه فروش و کارگر و وکیل در کنار هم می جنگیدند و به هم فشنک و قمقمه و کاغذ و قرآن قرض می دادند؛ مردمی که مرد های ۱۳ ساله مان به اسارت رفتند و از آنجا با عزت و غرور بر تخت قلب های مردم دنیا تکیه زدند؛ پیرمرد پیر زن هایمان زنده زنده سوختند اما لحظه ای ترس و تسلیم، چین و چروک های شادمان چهره شان را مرعوب نکرد، مردمی که زن هایشان انقلاب را رقم زدند، صحنه جنگ را به نفع خودمان ترسیم کردند و یک دستشان به گهواره بود و دست دیگرشان تمام دنیا را تکان می داد، دامنشان از خلیج فارس بود و چارقد هایشان از خزر؛ مادرهایمان چادر نمازشان را از مشهد خریده اند، از بازار سرشور، از همسایگی امام رضا(ع) و شاید برای همین بود که همیشه ی خدا چادرهایی بوی زعفران و خاک کربلا می داد و مادرهایمان در سجده هایشان می گفتند: «خدایا راضی هستیم به رضای تو.» ما مردمی هستیم که شب را گرسنه خوابیدیم اما پدر هایمان به پول مردم که آن شب از قضا پیششان بود دست نزدند؛ ما مردمی هستیم که پدرهایمان نیمه شب از کار بر گشتند اما نماز صبحشان قضا نشد و هرچه زمانه سخت تر گرفت در دعا های عهد و ندبه شان سخت تر گریه کردند و عکس امام و عموی شهیدمان را به دیوار خانه مان «قاب تر» کردند. مردمی که در همه ی این لحظه ها هیچ کاره بودند و دست خدا بود که بر سر شانه این جماعت، آینده ی جهان را نگه داشته بود.

دست خدا بود که بر سر شانه این جماعت، آینده ی جهان را نگه داشته بود.



می‌نویسم خطاب به دانش‌آموختگان مکتب علی!

در روزگاری که فتنه‌ها رنگ عوض کرده‌اند، ما که محصلانِ دانشگاهِ امیرِ عدلایم باید به صدای مولایمان گوش سپاریم که فرمود:

«لَا تَدْعُونَ إِلَى مُبَارَزَةٍ» (حکمت ۲۳۳)

و باید بدانیم که اسلام، دینی است که صلح را از موضع خرد و عزّت می‌طلبد، نه جنگ‌افروزی از سر خشونت. هر که آغازگر نبرد باشد، باغِ (ستمکار) است؛ و انجامِ کارِ باغی، چیزی جز مَصْرُوع (زمین خوردن) شدن نیست.

جای درنگ نیست! اکنون باید ندای

آتشینِ حیدر کَرّار (ع) را به میدان آورد:

«فَخُذُوا لِلْحَرْبِ أَهْبَتَهَا!» (خطبه ۲۶)

و نرسید از مرگ در این طریق؛ چرا

که علی (ع) شهادت را «أَكْرَمَ الْمَوْتِ»

می‌خواند (خطبه ۱۲۳)

و خون شهید، بارانی است که

جوانه‌های آزادی و آزادگی را در دل

تاریخ می‌رویاند.

بی‌تفاوتی، سُستی، و بهانه‌جویی

دشمنانِ ایمان‌اند و اگر امروز پای

پس بکشیم؛ و خدایِ ناکرده از ترس

هزینه‌ها پا از مسیر قیام و جهاد و

حق طلبی بیرون گذاریم...

امام‌مان با صدای بلند توبیخ‌مان

خواهد کرد:

«يُغَارُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تُغَيِّرُونَ؟! يُغْزَوْنَ وَ لَا

تَغْزَوْنَ؟!» (خطبه ۲۷)

آیا این، «رِضَاوَنَ مَعْصِيَةِ اللَّهِ» نیست؟!

ای نسل آگاهِ امروز!

با قلم، با فکر، و حتی با سلاح_اگر

نیاز شود_ باید به هل من ناصرنی

ولی‌مان پاسخ گوئیم و میدان را تحت

هیچ شرایطی خالی نکنیم! و قطعاً

قیام، فقط در میدان جنگ نیست؛

گاه در کلاس، گاه در تحقیق، و گاه در

ایستادگی بی‌صداست.



اما این صلح و صلح طلبیِ ما هرگز به

معنای خاموشی در برابر ظلم نیست!

امام عدالت (ع) اگر شمشیر را کنار

می‌گذاشت منطقش را با صلابت بیان

می‌کرد همانطور که در خطبه ۵۵ نهج

البلاغه می‌فرمایند:

«قَوْلَالِهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا

أَطْمَحُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي»

(خطبه ۵۵)

پس ما نیز با اقتداء به ایشان صبر

کردیم، اما نه صبری از سر خاموشی!

بلکه صبری که چراغ بشود در تاریکی

های نیویورک و خیابان‌های واشنگتن

برای جوانانِ حق طلب و آزادگان! چراغی

که بشود امیدی برای دل‌های خسته!

اما امروز که باطلِ دندان بر پیکر امت

رسول (ص) فشرده و دستش را به خونِ

بزرگ مردان و زنان و کودکان غوطه‌ور

در دنیای کوچکشان آلوده کرده، دیگر

در میادین جنگ، سلاح به دست

گرفته و سینه سپر کنیم در برابر

تجاوزکاران و جنایتکارانِ کودک‌کش!

و این سلاح گاه تفنگ و موشک است

و گاه کتاب و قلم! و هرکدام از ما

با توجه به نقش خود باید اسلحه

خود را اتخاذ کنیم و با خشابی پر

در عرصه جنگ وارد شویم.

و در پایان، این است پیمان علی (ع)

با پروردگارش:

«وَلَعَمْرِي! مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ

خَالَفَ الْحَقَّ وَ خَابَطَ الْغَيَّ مَنْ

إِدْهَانَ» (خطبه ۲۶)

سوگند به جانم! در برابر باطل،

و آنان که در گمراهی و فساد

غوطه‌ورند، يك لحظه مدارا و

سستی نمی‌کنم.

ما فرزندان غدیر، وارثان این

سوگندیم؛

تا وقتی امیدی برای هدایت هست،

اهل صلحیم؛ و آنگاه که باطل مرز

قداست را درمی‌نوردد، تمام قد

ایستاده‌ایم! نه برای مرگ، که برای

وصال.

«يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيكُمْ»

دست خدا بالاتر از دستان شماست.

برخیزید؛ فردا روز صابران است.

«وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»



جوان دهه هشتادی

مفاهیم انقلاب را مانند جوان اول انقلاب دنبال میکند

KHAMENEI.IR

فاطمه خلیلیان
کارشناسی تاریخ

نامه ای از نسل چهارم جمهوری اسلامی ایران

رمز اول: ق (قدس)

بیشتر از یکسال از طوفان الاقصی و پیشدستی هوشمندانه نیروهای فلسطینی برای حمله به سرزمین فلسطین اشغالی گذشته است. یکسالی که بیش از گذشته ماشین کشتار نظامی کشور جعلی صهیونیست ها فعال بوده و آزادی خواهان جهان خواستار توقف آن و حمایت از مظلومین شده اند و صحنه های حمایت از مظلومان فلسطین از دانشگاه های آمریکا تا کشور های اروپایی و آسیایی و آفریقایی دیده می شود.

در این مدت منطقه غرب آسیا بیش از همیشه مرود توجه بوده و روایت های حمایت از فلسطین و جبهه مقاومت برای آزادی خواهان جهان در سمت درست تاریخ از یک سو و روایت های مدافع رژیم غاصب صهیونیستی از سوی حامیان

آنها که حیاتشان و منافعشان وابسته به حفظ نیرو نظامی در این منطقه هست شکل گرفته است، این نکته قابل توجه است که این حامیان از ارسال هرگونه کمک های نظامی، تجهیزاتی، لجستیکی، فکری، اقتصادی، رسانه ای برای کمک دریغ نکرده اند و پشت شعارهای صلح آمیز روز به روز اسرائیل را تقویت نموده اند.

درست است که با وجود همه این حمایت ها روحیه مقاومت به عنوان یک نرم افزار بیشتر در دلها و فکر های ما جان گرفته است و با وجود شهادت رهبران نظامی در فلسطین همچون شهیدان سنوار، شهید سید حسن نصرالله در لبنان، فرماندهان شهید جمهور اسلامی ایران سرلشکر باقری و سلامی و حاجی زاده و... ما بیشتر مصمم شده و متحد تر عهد بسته ایم تا قدم برداریم..

امام خمینی رحمه الله فرمودند: بکشید مارا ملت ما بیدارتر می شود. و ما از همیشه بیدارتر برای مقاومت در برابر دشمنان آماده ایم.

رمز دوم: الف (امیر المومنین علی «ع»)

مکتب امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مکتب آزادی و ایمان و استواری و مقاومت در برابر دشمنان است.

مکتبی حتی یک خط از آرمان های اسلام ناب محمدی کوتاه نمی آید و در ادامه همان راهی است که در روز غدیر پیامبر فرمودند من کنت مولاه فهذا علی مولاه و در حدیث ثقلین فرمودند راه عاقبت بخیری همراهی با قرآن و عترت است. امام خمینی رحمه الله بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک عالم دینی شجاع و مدبر و مقتدر شیعه راه مولا علی علیه سلام

را در برقراری حکومتی که ان شاءالله به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوند بخورد برپا نهادند و میراثشان امروز در آستانه جنگ غدیر با حمله نیرو عاصی صهیونیست در حول محور ولایت حق قرار دارد، میراثی که قدم در راهی گذاشته است که آزادی خواهان جهان با او هم صدایند و آن نابودی رژیم جعلی صهیونیستی اسرائیل است.



از سال ۹۸ و شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی به این هدف یک هدف کلی تر هم اضافه شد و آن خروج تمام نیروهای آمریکایی به خاطر ریختن خون این شهید سرافراز قدس است. اگر تا امروز در برابر ترور دانشمندان هسته ای، خرابکاری های آنها ساکت بوده ایم از امروز همه متحد در هرجایی که توان عملیات داشته باشیم آماده به خدمتیم تا راه شهیدان که الگویی شجاعت و ابتکار هستند را ادامه دهیم.

اگر امروز سلاح های موشکی و پدافند و... سلاح نظامی ماست، و توکل به خداوند متعال و دعا و توسل به اهل بیت علیه السلام و انس با قرآن پشتیبان آرامش و استقامت ما در این مکتب است.

رمز سوم: و (ولایت پذیری)

قاعدتا اگر قرار باشد ما چیزی یاد بگیریم، باید پای درس آقا بشینیم و آنچه که ایشون فی الواقع با دقت، ظرافت، با تعریف ابعاد موضوعی بهش پرداختند را دستور کار قرار بدیم.

وقتی جنگ و رویایی مستقیم در آستانه عید سعید غدیرخم با حمله غافلگیرانه ماشین کشتار رژیم صهیونیستی آغاز شد و در ساعات اولیه فرماندهان نظامی عالی رتبه و دانشمندان هسته ای و مردم بی گناه به شهادت رسیدند، چندین سال قبل در دهه ۶۰ در مدت زمان کوتاهی فرماندهان نظامی، دفتر نخست وزیری و حزب جمهوری اسلامی با حضور رئیس قوه قضاییه و جمعی از نمایندگان مجلس به دست منافقین داخلی به شهادت رسیدند. اما در هیچ یک از این شرایط حساس کشور اتحاد ما، مقاومت ما ضعیف نشد و به بازسازی نیرو انسانی در ارکان کشور پرداختیم.

زیرا اینجا ایران در پرچم جمهوری اسلامی ایران، ما ولایت فقیه را داریم، روزی به رهبری امام خمینی رحمة الله و امروز به رهبری امام خامنه ای مدظله العالی تا پایان پشتیبان راهی هستیم که ولی برای ما تعیین کنند.

ما دختران ایران اسلامی در خانواده و محله و مدرسه به حفظ آرامش و تقویت روحیه حماسی میان خانواده هایمان و دوستانمان و فرزندانمان برای شناخت راه درست و قدم برداشتن در راه درست به حرکت ادامه می دهیم، همچون مادرانمان که در رویارویی با حکومت پهلوی در تظاهرات ها، در پشتیبان جبهه های دفاع مقدس، در روزهای تحریم اقتصادی و تهاجم فرهنگی ساکت ننشستند و سنگر خود را حفظ کردند.

رمز چهارم: م (ما دختران میدان)

ما دختریم، دخترانی که میراث مادران حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، ام ابیها و اولین نفری که برای ولایت به تبلیغ و دعوت مردم پرداخت هستیم. ما دختریم، دخترانی که میراث بانوانی

چون حضرت زینب سلام الله علیها فرماندهان جبهه نرم افزاری و تبیین واقعه عاشورا داشتند را الگو قرار می دهیم.

ما دختریم، دخترانی که کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها الگویشان در فراگیری علم و دانش و قدم گذاشتن در تولید علم است.

ما دختریم، دخترانی از سرزمینی که بانو مرضیه حدیدچی دباغ اولین فرمانده سپاه خانم در همدان و عضو گروه رساننده پیغام امام خمینی رحمة الله به گروپاچف در شوروی بوده است. ما دختران انقلاب اسلامی هستیم؛ همان ها که برای زندگی شان هدف دارند، الگو داریم، اهل کتاب و مطالعه هستند.



همان ها که دختر شینا و پاییز آمد ها را با علاقه می خوانند تا جهاد نسل های قبل خود را بدانند و عرصه را بشناسند.

ما دختران امروز هم در میدانیم، گاه چون خانم امامی در عرصه رسانه و خبرنگاری، گاه در عرصه امدادگری، گاه در عرصه مکتوبات و تولید محتوا و همیشه در حفظ آرامش و روحیه توحیدی و حماسی خانواده.

ما دختران انقلاب اسلامی در میدانیم و حجاب ما خود اولین سلاح ماست و بیان ما سلاح دیگر ماست.

| شهید بهشتی:

ما همیشه فریاد می کردیم که زن در اسلام زنده، سازنده و رزمنده است.

در ۶ آوریل ۱۹۷۳ «بصیل الکبسی» عضو ارشد جبهه مردمی آزادی فلسطین و استاد دانشگاه امریکایی بیروت در پاریس به وسیله شلیک اسلحه از سوی دو مامور موساد ترور شد.

در ۱۳ ژوئن ۱۹۸۰ دکتر «یحیی المشد» دانشمند هسته ای مصر طی «عملیات ابوالهول» در اتاق هتل محل اقامت در پاریس توسط مامورین موساد کشته شد

در ۲۱ اوت ۱۹۸۳ «مامون مراعیش» از اعضای ارشد سازمان آزادیبخش فلسطین توسط دو موتور سوار در حالیکه رانندگی می کرد در آتن یونان ترور شد.

در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۵ «فتحی شقاقی» رهبر جهاد اسلامی فلسطین در مالت در مقابل درب هتل دیپلمات با شلیک چند گلوله ترور شد.

در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۱، «جمال منصور» یکی از مقامات ارشد شاخه سیاسی حماس در کرانه باختری توسط پرتاب موشک به خودروی در حال حرکت وی در «نابلس» کشته شد.

در ۵ اوت ۲۰۰۱ «امر حدیری» فعال دانشجویی سازمان حماس توسط پرتاب موشک به خودروی در حال حرکت وی در «طولکرم» کشته شد.



فهرست کوچکی از ترور های دانشمندان

در طول تاریخ هیچ جنایتکاری پس از مغول ها و هیتلر به اندازه رژیم اشغالگر قدس دستش را به خون اهالی علم و دانش نیالوده است. فهرست زیر تنها صفحه کوچکی از این جنایات است:

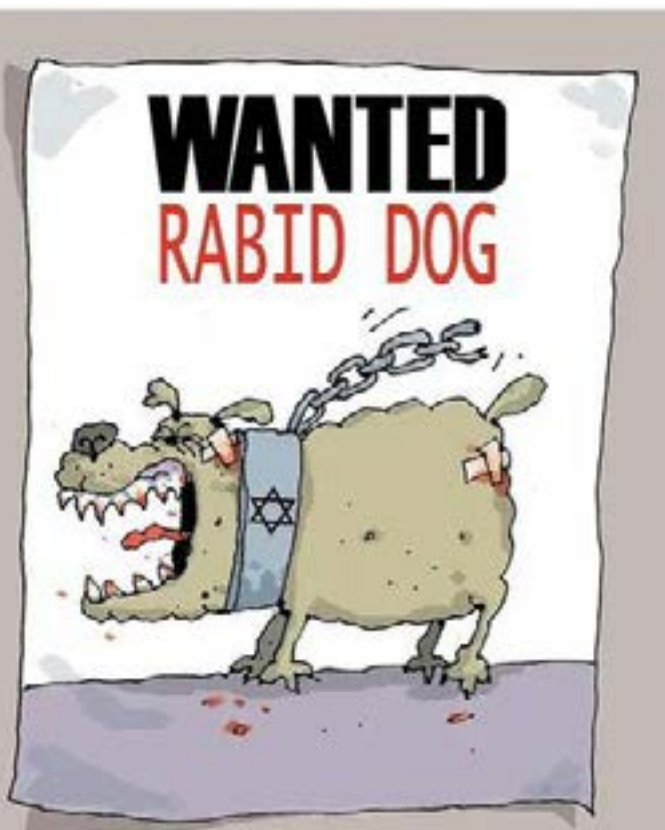
«حسن کامل الصباح» دانشمند لبنانی و از مخترعان، محققان و از دانشمندان برجسته در سطح جهان بود که در آمریکا ترور شد.

در روز یکشنبه ۳۱ مارس ۱۹۳۵ در اتفاق تصادفی که مشکوک بود و هیچ گاه رمز آن گشوده نشد و در آن زمان و پس از آن موجب قول به قتل عمدی حسن کامل شد، وی در ۴۱ سالگی درگذشت و پیکر وی از آمریکا به زادگاهش در لبنان منتقل شد.

در ۱۳ ژوئیه سال ۱۹۵۶ ترور «مصطفی حافظ» سرهنگ ارتش مصر که متهم به بکارگیری مهاجران علیه اسرائیل بود به وسیله بمب بسته ای در نوار غزه صورت گرفت.

در ۱۴ ژوئیه همین سال «صلاح مصطفی» یکی از افسران ارتش مصر به وسیله «بمب بسته ای» در امان پایتخت اردن ترور شد.

در ۲۴ ژانویه ۱۹۷۳ «حسین بشیر» نماینده سازمان فتح در نیکوزیا قبرس به وسیله بمب کارگذاری شده در تختخواب هتل محل اقامتش ترور شد.





اقدامات سرلشکر محمد باقری:

رئیس اداره اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح
مسئول اطلاعات و عملیات نیروی زمینی سپاه
مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا و قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء
معاون هماهنگ کننده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء
عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی



اقدامات سردار امیرعلی حاجی زاده:

حضور در جبهه در عملیات کربلای ۴ و ۵ و الفجر
فرمانده نیروی هوافضای سپاه از سال ۸۸
فرمانده عملیات لیلہ القدر در خرداد ۹۶ در حمله به داعش
فرمانده عملیات در شهریور ۹۷
انهدام پهپاد آمریکا در خرداد ۹۸
فرمانده عملیات وعده صادق ۲۰۱



اقدامات سرلشکر حسین سلامی:

فرمانده کل سپاه پاسداران
مسئول عملیات قرارگاه دریایی نوح در جنگ ایران و عراق
فرمانده دانشکده دافوس
معاون عملیات ستاد مشترک سپاه
فرمانده نیروی هوایی سپاه
عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی



اقدامات دریادار علی شمخانی:

دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
نماینده رهبر ایران در این شورا
فرمانده نیروی دریایی ارتش
فرماندهی مشترک نیروی دریایی ارتش و سپاه و قرارگاه خاتم الانبیاء
تطبیق استراتژی آمریکا و شوروی سابق
رئیس مرکز مطالعات راهبردی نیروهای مسلح
عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام



برادر شهید شمس‌الدین حسینی، سردار شهید شمس‌الدین حسینی، در جریان بازدید از رزم عراق را به خبرنگاران خارجی و داخلی نشان می‌دهد.

از اهالی دزفول شهر مقاومت، فرزند ایران. در دوره جوانی همراه دیگر جوانان شهر خود در گروه منصورون عضویت داشته و فعالیت های چیریکی انجام می دادند و دوبار هم بازداشت توسط حکومت پهلوی را تجربه کرد. پس از انقلاب اسلامی ابتدا به نیروهای مجاهد انقلاب اسلامی و سپس سپاه پاسداران پیوست.



مراکز حکومتی، مراکز نظامی، مراکز جمعیتی و مراکز اقتصادی همگی در این منطقه قرار می گیرند و مابقی مناطق جنوبی اسرائیل عمدتاً بیابانی است و جمعیت قابل توجهی ندارد. پس با عملیاتی در مقیاس عملیات فتح المبین و بیت المقدس می توانیم کار اسرائیل را تمام کنیم.

سردار سپهبد شهید حاج غلامعلی رشید، فرمانده قرارگاه خاتم الانبیا در سحرگاه ۲۳ خرداد توسط رژیم غاصب صهیونیستی به شهادت رسید.

راه ایشان و دیگر شهیدان تا فتح قدس توسط جوانان ایران اسلامی ادامه خواهد یافت و رژیم صهیونیستی بیچاره خواهد شد.

پاسداران انقلاب اسلامی را برعهده دارد، رژیم صهیونیستی را کشوری که با پشتیبانی غرب ایجاد شده و دست حمایتشان را بردارند نابود می شود؛ توصیف کرده است. یک ملت که هویت و پیوستگی فرهنگی ندارند و از ۱۰۲ کشور جهان تشکل شده و کارهای او را امپراطوری رسانه ای غرب بزرگ نشان می دهد اما از درون انسجامی ندارد.

او که در قرارگاه فتح و عملیات الی بیت المقدس حضور داشته، می گوید با قراردادن نقش خرمشهر بر روی منطقه فلسطین اشغالی از مرز های جنوب لبنان یعنی نیمه شمالی خاک فلسطین اشغالی تا اطراف کرانه غربی و اندود یعنی جنوب تل آویو را می پوشانده است. یعنی

ایشان کسی بود که در عملیات آزادسازی الی بیت المقدس در قراگاه فتح پیام خداوند خرمشهر را آزاد کرد را دریافت و یک جمله بیان کرد : به امید پیروزی نهایی بر استکبار جهانی.

پس از دوران دفاع مقدس تحصیلات عالیه خود را در رشته جغرافیای سیاسی ادامه داد و پایان نامه خود را با عنوان نقش عوامل ژئوپلیتیک در تدوین راهبرد دفاعی دفاع کرد.

این مجاهد بی مرز پس از عملیات وعده صادق در مصاحبه ای در جایگاه فرمانده ستاد مرکزی خاتم الانبیا که وظیفه هماهنگی میان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه

دکتر ابوالحسن فیاض‌انوش - عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

سوخت واقعی موشک‌های ایرانی، روشن‌نگری و روشن‌نگری تک تک ماست.



برای من هیچ تردیدی وجود ندارد که به لحاظ نظامی و لجستیکی، ایران دست برتر در نبرد جاری را دارد. دشمنان ما (جبهه متحد استکبار غرب) هم علیرغم برخورداری رژیم غاصب از آخرین تجهیزات تکنولوژیک در عرصه نبرد به خوبی واقفند که رژیم غاصب برای مدت زمان زیادی نمی‌تواند این نبرد را ادامه دهد. البته تا حد ممکن دستان او را پر می‌کنند اما به هیچ وجه اراده‌ی همراهی آشکار با او در این نبرد را ندارند.

بنابراین به لحاظ وزن استراتژیک، کشور ما در همه ابعاد (از وسعت سرزمینی و میزان جمعیت گرفته تا حجم اقتصاد ملی و توانمندی و روحیه و اراده‌ی نیروهای مسلح) برنده نهایی این جنگ خواهد بود و هیچ تردیدی در آن ندارم. اما شایسته است به این سوالات بیاندیشیم که: «با توجه به چنین سرنوشتی، از چه رو دشمن این ماجراجویی را آغاز کرده است؟ آیا دشمن از این بدیهیات غافل بوده است؟»



پاسخ روشن است. مسلماً دشمن در برآورد توانایی‌های خود اشتباه نکرده است و می‌داند توان نبرد طولانی با ایران را ندارد اما دو امر او را وادار به این ماجراجویی و امید بستن به نتیجه‌ی این ریسک بزرگ کرده است:

۱. این آخرین راه گریز برای فرار از یک مرگ تدریجی است که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ ناقوس آن نواخته شد. به عبارت دیگر این ماجراجویی به مثابه پناه بردن یک قمارباز در آستانه ورشکستگی برای فرار از ورشکستگی کامل به دامن آخرین قمار در زندگی است.

برای چنین قماربازی توسل به آخرین قمار بهتر از دست روی دست گذاشتن و مرگ خود را مشاهده کردن است. حتی اگر در قمار آخر، نیم درصد هم احتمال آن وجود داشته باشد که ورق برگردد، اقدام به آن برای ذهن قمارباز ورشکسته توجیه‌پذیر است.

۲. پیروزی در یک نبرد لزوماً و انحصاراً در گرو توانمندی نظامی طرف پیروز نیست. بخش عمده‌ی پیروزی یک طرف را باید در نقاط ضعف طرف مقابل جستجو کرد. دشمن در این ماجراجویی اخیر روی این بخش حساب و ویژهای باز کرده است. سپاه سایبری دشمن سالهاست برای رخنه در اراده این ملت هزینه و فعالیت کرده و اکنون تصور می‌کند می‌تواند نتیجه سالها فعالیت خود در این زمینه را برداشت کند.

چه کسی تصور می‌کرد روزی در جامعه ایران که نخستین پرچمدار مبارزه اصولی با غده سرطانی صهیونیسم است، افرادی پیدا شوند که تحت تاثیر القاءات رسانه‌ای دشمن و به واسطه بی‌تدبیری برخی مدیران داخلی که مدعی تدبیرند، این واقعیت بدیهی که اسرائیل شر مطلق است، مورد تردید قرار گیرد و عده‌ای به بهانه‌ی عقلانیت سیاسی و در واقع بر اثر ضعف در دشمن‌شناسی، نرمش و سازش با این مجسمه شرارت را توصیه کنند؟

این افراد بدانند یا ندانند، بخواهند یا نخواهند عملاً به سان سرمایه‌های طلایی دشمن در جامعه ما عمل می‌کنند و مایه‌ی امید دشمن‌اند.

اینان مانند موریانه در بدنه جامعه رخنه و در بزنگاه‌های حیاتی نقش مخرب خود را ایفا می‌کنند. در شرایط کنونی به هیچ وجه نگران توانمندی‌های نظامی قوای مسلح‌مان برای انجام عملیات آفندی و پدافندی نیستیم. اما همه ما باید با احساس وظیفه مضاعف نسبت به فعالیت‌های مخرب این برگ امید دشمن در این قمار سرنوشتش حساس باشیم.



سوخت واقعی موشک‌های ایران را روشن‌نگری تشکیل می‌دهد و روشن‌نگری من و تو تامین می‌کند. سوخت رسان خوبی باشیم.

خداوند و قضاوت تاریخ ما را نخواهند بخشید اگر در این امر

سستی کنیم.

در درجه اول باید ایمان خود را به این اصل مسلم که اسرائیل حق حیات در سرزمین‌های اسلامی ندارد، تحکیم کنیم و در درجه دوم در فضای گفتمانی جامعه (چه فضای حضوری و چه فضای مجازی) عرصه را بر هر کسی که از مماشات با این غده‌ی سرطانی با توسل به بهانه‌های فریبکارانه دم می‌زند تنگ کنیم. بسیاری از ما آرزو داریم ای کاش در این نبرد دوران‌ساز امکان نقش آفرینی داشتیم. بدون تردید چنانچه به نقش خود در سوزاندن سرمایه‌های دشمن واقف باشیم به نقش آفرینی موثر خود افتخار خواهیم کرد.

یادداشت دانشجویی



بیکار ننشینید. اگر قلم دارید، بنویسید. اگر قدم دارید، بردارید؛ اگر زبان دارید، حرف بزنید. اگر فریاد دارید، بکشید. اگر فضای مجازی دارید، محتوا را در گروه‌ها و کانال‌هایتان توزیع کنید. اگر چشم و گوش دارید، محله را پایید.

ارسالی از: زهرا حضرتی - کارشناسی فلسفه و کلام اسلامی

برای شهید های بی صدا...

دیشب قرومب و قرومب آسمون که شروع شد اداشو در آوردم با دهنم، پسر کوچولو میگه مامان اسرائیل بازی شروع شد؟ گفتم آره، بریم تماشا؟
با هم سرم و بچه ها رفتیم پشت بوم و صحنه تلخی دیدیم. چنتا پهپاد از کوچه پس کوچه های محله خودمون، هوا کرده بودن تا آتش پدافند و هدر بدن. زنگ زدیم و پیام گذاشتیم. از محله ما چن روز پیشم هشت نفرو در این کار دستگیر کردن
ولی کی می تونه برآورد کنه که ما چقدر به بچه های پدافند مدیونیم؟
بی سپر توی بیابونها، موشک ساقط می کنن و بی صدا شهید می شن...



پرده سوم

خانواده ما یک خانواده معمولی بود، از شما چه پنهان ما بعضی شب ها ستایش می دیدیم و نذر می کردیم که سعید معروف و امیر غفور سرویس های خوبی به لهستان بزنند. ما دلمان برای بچه گربه زخمی توی کوچه می سوخت و حتی ترکیب برنده تمام شدن امتحانات پایان ترم، شبکه پویا، بوی کولر آبی و آلوچه ترش نمک زده هم نمی گذاشت از ناراحتی مان بابت غذا نخوردن جوجه همسایه کناری کم کند یا یادمان برود که زهرا تازه بابایش را از دست داده و نسترن مجبور است از محل اسباب کشی کند چون صاحبخانه شان اجاره ها را گران کرده. ما مردمی بودیم که از «درد»، درد می کشیدیم بی آنکه توجه کنیم درد از خانه خودمان است یا از خانه همسایه یا از خانه فلان فامیل دور خاله مادری مان در اردبیل؛ ما مردمی بودیم که درد آدم ها (همه آدم ها) به دردمان می آورد؛ گاهی ما سر سفره علم و ادب محمدزمان، معمار افغانستانی خانه می نشستیم و گاهی او بر سر سفره محقر ما می نشست، گاهی او می زد زیر آواز و گاهی بابا، گاهی او به من و محمد عیدی می داد و گاهی بابا به گلرخ و گلچهره و پری یاس که خیلی کوچک بود؛ ما مردمی بودیم که دل هایمان به هم گره خورده بود و هر پنجشنبه شب که در گلستان شهدا قدم می زدیم با هم سوره انعام می خواندیم، اوج تفرقه مان این بود که آن شب به جای انعام یک نفر یاسین می خواند و یک نفر مؤمن زیرک هم پیدا می شد که سه تا قل هو الله بخواند و بگوید: «به اندازه یک ختم قرآن ثواب دارد جان شما!» و بعد نامحسوس و غیر معمول سجاده اش را می کشاند طرف مزار رفیق شهیدش و سر به سجده می گذاشت و چفیه اش را روی سرش می انداخت و بی صدا می گریست. می خواهم بگویم که این مدل مردمی بودیم ما.....

ما مردمی بودیم که از «درد»، درد می کشیدیم بی آنکه توجه کنیم درد از خانه خودمان است یا از خانه همسایه





جنگ علیه مردم تهران غیر منتظره و شدید شروع شد. اما هنوز مانده به آن درجه از «دشواری مبارک» برسد که در بیروت رسید. خانم غفارحدادی در کتاب دشواری مبارک گوشه‌ای‌اش را روایت کرده.

نیاز داشتم به اینکه فکر کنم، در تهران به وجودم نیاز هست. وقتی جنگ شروع شد، من و خانواده برادر وسطی، جایی اطراف کاشان بودیم. اتفاقی برادر کوچکم هم آمده بود آنجا به ما سر بزند. صبح علی‌الطالع، با برادرهایم توی کوچه‌ها پرسه می‌زدیم و صدای اصابت‌ها به سایت نطنز را می‌شنیدیم و ترکیبی از تاسف و تعجب و ترس وادارمان می‌کرد لبخند بزنیم. ده‌ها بار نطنز را زدند.

زن برادرم را هم صدا کردیم آمد توی کوچه. آمد و به ما سه تا دستور داد از سردار سلامی حلالیت بطلبیم. حق داشت، چون تمام مدت جنگ غزه، هم به خودش هم به اظهارتش انتقاد کرده بودیم.

وقتی فهمیدم دشمن برای زدنش هم خانه‌اش هم خانه پسرش و هم مقر ستاد کل را زده تازه فهمیدم واقعا باید ازش حلالیت بطلبم. دشمن درست تر می شناخته او را.

برادرهایم تمام روز جمعه و غدیر را گوش سپردند به ویژه برنامه میدان و «علی صمد زاده» توضیح می‌داد که این طور باید بزنیم و آن طور نباید بزنیم و ما مثل سیر و سرکه می‌جوشیدیم که آیا امثال صمدزاده و جوانان اندیشکده‌ای را کسی به بازی می‌گیرد یا نه...

توی گروه، دوست نازنینم وحیده نوشت که صفیر موشک دیشب از خواب بیدارشان کرده و مهرآباد را زده‌اند و دل‌هایمان پر کشید سمت تهران. همان تهران دودی که مرتب ازش شاکی بودیم تاجائی که گاهی با برادرها گعده می‌کردیم و طرحی برای مهاجرت به شهرستان می‌ریختیم.

می‌دانستیم احتمالا ادارات و دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها که محل کار ماهاست تعطیلند یا نیمه تعطیل، باز بی‌تاب شدیم که زودتر خودمان را برسانیم.

خانواده مضطرب بودند و می‌گفتند بمانید.. حداقل بچه‌ها را بگذارید... خصوصا که خبر رسید پانصد متری اندیشکده محل کار برادرم را زده‌اند...

اما دل‌هایمان دستور دیگری می‌دادند.

توی جاده بودیم و شب شده بود. حوالی حسن آباد به صرافت نقطه بازی‌های پرمعنی اطراف جاده افتادم. نقطه‌های قرمز پدافندی که از هر هفت هشت تاییشان ، یکی موفق می‌شد جلوی موشک دشمن را بگیرد. تا ما نگاه می‌کردیم دو تا از این صحنه‌های موفق را دیدم و من اصفهانی دلم برای هدر شدن باقی پرتابه‌های پدافندی جوش می‌زد. اما همسر شاکر بود که به هر قیمتی جلوی اصابتها گرفته شده...البته که من هم شاکر بودم. به خانه که رسیدیم، چیزی از جایش تکان نخورده بود، جز مژه



آب که خیلی عوض شده...

به هر حال دوازده شب خوابیدیم و دو ساعت بعد با صداها از خواب پریدیم، دخترم نفس نفس می‌زد، بغلش کردم و گفتم: «چیزی نیست پدافند خودمونه...»

آرام شد و خوابید.

اما من آرام نشدم. هر بار که می‌کوبیدند به جای تمام آن قلبهایی که اینجا خانه امیدشان است، از پاکستان تا فلسطین، از اندونزی تا شیلی، رنج کشیدم.

تهران در نظرم هزار بار مقدس‌تر و دوست‌داشتنی‌تر از قبل شد. آه خدایا این که اینجا امانت است بار یک امت و هزار رسول است....

کسی انگار در گوشم گفت: نگران نباش اینکه روی تهران می‌ریزند آتش نیست! آب توبه است. توبه از اینکه حق خودش را نشناخت، و دل‌های ملتها را آویزان به افتخار و اعتلای خودش ندید.

شب به دلهره و آذرنالین و هورمون‌ها و دغدغه‌ها گذشت و صبح نای رفتن به اداره را نداشتم، پیامک آمد که دور کاریم.

گرفتم خوابیدم، اما ساعت هشت باز از اداره کسب تکلیف کردم: شیفت بندی شدیم به نفری یک روز!

افتادم به کار خانه. زیاد بود و وقت کم، و حالم هنوز خوب نشده بود، هرچند زمان به روش خودش می‌گذشت. مادرشوهرم زنگ زد و کمی حرف زدیم تا بالاخره آرام شدم. اعجوبه ای است این زن. بسکه مومن است.

نشستم به کارها و حینش کتاب صوتی «بامداد خمار» را پخش کردم، تا کمی از زمان بگنم و بروم به صد سال پیش...

چرا فکر می‌کردم این کتاب زرد است؟ خیلی هم قیمتی و فاخر بوده...

دکتر رضا صادقی - عضو هیئت علمی فلسفه غرب دانشگاه اصفهان

این جنگ فقط ابعاد نظامی و اقتصادی ندارد و بیشتر عقیدتی است. این جنگ جهشی تاریخی در رشد و گسترش تشیع ایجاد خواهد کرد. برای اینکه نقش این جنگ در جهانی شدن مکتب تشیع روشن شود نیاز به زمان بیشتری است. کشتار مردم غزه و حمله به ایران یک رویداد منحصر به فرد در تاریخ زمین است که پیامدهای اصلی آن هنوز آشکار نشده است.



آنچه این رویداد را خاص می‌کند تعداد کشته‌ها نیست؛ اروپایی‌ها در دوران استعمار میلیون‌ها نفر از مردم آفریقا و بومیان آمریکا را به همین شیوه سلاخی کردند و اموال و سرزمین آنها را غارت کردند. آنها صدها میلیون انسان را کشتند و به بردگی گرفتند. اما چون در آن زمان امکان ضبط تصاویر نبود، هنوز هم بیشتر مردم دنیا از آنچه در دوران استعمار گذشت آگاه نیستند.

ولی کشتار غزه از این جهت متفاوت است که وسایل ارتباط جمعی امکان ضبط تصاویر را فراهم کرده است و حتی گاهی مردم جهان به طور مستقیم بخش‌هایی از این کشتار را مشاهده می‌کنند. این کشتار در دورانی رخ داد که تقریباً تمام مردم دنیا از آن آگاه شدند و نسبت به آن موضع گرفتند. برای نخستین بار در تاریخ جهان بیشتر مردم دنیا در حمایت از جمعیتی ستم‌دیده هم‌صدا شدند و ظلمی آشکار را محکوم کردند. در تمام کشورهای جهان از غزه حمایت شد و برای نخستین بار در جهان مشخص شد هر چند ستم زیاد است، اما طرفداران آن زیاد نیستند. **کشتار غزه مرحله‌ای جدید از تاریخ است.** در این

رویداد ستمگرانی که در جهان در اقلیت هستند، به ظلم حداکثری روی آوردند و در برابر اکثریت مردم جهان قرار گرفتند.

در این مدت که غزه مسئله نخست زمین بود و بیشتر مردم دنیا از غزه حمایت می‌کردند، فقط شیعه برای غزه جان داد و اکنون نیز تنها حکومت شیعی در جهان توسط منفورترین انسان روی زمین مورد حمله قرار گرفته است. حکومت ایران تاوان حمایت از فلسطین را می‌پردازد. در بین کشورهای جهان ایران عزیز تنها کشوری بود که در عمل در برابر ستم ایستاد و به طور مستقیم وارد جنگ شد و تمام قد از ستم‌دیدگانی دفاع کرد که نه هم‌زبان بودند و نه هم مذهب، و نه حتی همسایه. با فروکش کردن غبار جنگ این مدال تاریخی تا ابد برای ایران عزیز باقی خواهد ماند که در اوج سختی‌ها بیشترین هزینه را برای دفاع از عدالت پرداخت. با اینکه مردم دنیا با هر باور و مذهبی به شیوه‌های مختلف



تو در کنار مایی و ما تو را نمی‌بینیم...

این کشتار را محکوم کردند، اما تنها پیروان مکتب تشیع در یاری ستمدیدگان غزه وارد میدان شدند و در کنار مردم غزه جان دادند و از آنها حمایت کردند.

درگیری مستقیم پیروان مکتب تشیع با اسرائیل یک اتفاق نبود و ریشه در باورهای شیعی داشت. منطق حمایت



عملی از غزه و جان دادن برای ستمدیدگان در باورهای شیعی نهفته است و با مفهوم امامت و ولایت در ارتباط است. **امامان شیعه دادخواهانی در برابر ستمگران زمان خود هستند و این روحیه هویت اجتماعی شیعیان را می‌سازد.**

با اینکه در تحلیل جنگ با اسرائیل بیشتر به پیامدهای نظامی و سیاسی و اقتصادی آن توجه می‌شود، اما **مهم‌ترین و ماندگارترین تأثیر این جنگ در حوزه باورهاست.** البته در حوزه نظامی این پیروزی بزرگی است که موشک‌های ایران می‌توانند از پوششی که ناتو برای اسرائیل فراهم کرده گذر کنند و خسارت‌های اقتصادی و نظامی اسرائیل بسیار زیاد است. اما این جنگ فقط ابعاد نظامی و اقتصادی ندارد و بیشتر عقیدتی است. **این جنگ جهشی تاریخی در رشد و گسترش تشیع ایجاد خواهد کرد.** برای اینکه نقش این جنگ در جهانی شدن مکتب تشیع روشن شود نیاز به زمان



شبکه‌های اجتماعی، مردم جهان را به توحید و عدالت دعوت کند.

فعالان فرهنگی و حتی بسیج و آموزش و پرورش به شکل گسترده می‌توانند از این فضا استفاده کنند و **نسل نوجوان** را به کنشگری فعال در این جنگ تبدیل کنند. اکنون در مدارس کشور یکی از مشکلات کلاس‌های درس گوشه‌هایی است که دانش آموزان به کلاس می‌برند. دست کم در کلاس‌های دینی می‌توان آوردن گوشه را آزاد کرد و از گوشه‌هایی که در دست این نوجوانان است برای

غزه و ایستادگی در برابر ستم زمینه مناسبی برای آشنایی با مفهوم امامت در جهان فراهم کرده است. کسانی که قصد دارند در جنگ با اسرائیل شریک باشند با همین گوشه‌ها می‌توانند بیشترین آسیب را به اسرائیل وارد کنند. **اکنون بهترین زمان برای معرفی مفهوم امامت به تشنگان عدالت در جهان است.** گوشه‌هایی که نگران بودیم فرهنگ غرب را به نوجوانان ما آموزش دهند، ابزار مناسبی برای نفوذ به متن جامعه غرب هستند. در این مسیر حتی یک نوجوان این توان را دارد که با نشر سخنان امامان در

بیشتری است. تا قبل از این جنگ تنها نخبگان دانشگاهی در جهان از جایگاه عدالت‌خواهی و مبارزه با ستم در باورهای شیعی آگاه بودند. در اوج جنگ غزه بیشتر ساکنان زمین در حالی که از غزه حمایت می‌کردند، همزمان شاهد فداکاری و جان دادن شیعیان در دفاع از مردم غزه بودند. **این دفاع عملی از ستمدیدگان که خواست بیشتر مردم جهان بود، زمینه مناسبی برای رستاخیز شیعه و جهانی شدن مکتب امامت است.**

حمایت عملی مکتب تشیع از مردم

تمرین عملی نشر معارف کمک گرفت. اگر این روش جایگزین کلاس‌های کلیشه‌ای و خسته کننده شود، نسل آینده کنشگرانی فعال در فضای مجازی خواهند بود و تهدید فضای مجازی به یک فرصت تبدیل خواهد شد.



هیچگاه در تاریخ چنین زمینه مناسبی برای جهانی شدن تشیع فراهم نبوده است. مشتاقان عدالت در جهان و طرفداران فضایی هر گویی یک اسب تراواست که با آن حتی می‌توان به خانه ایلان ماسک رفت و فرزندش ایکس را با حقیقت و عدالت آشنا کرد. ثروت ایلان ماسک بخشی از دستگاه فرعون است. اما این سنت خداوند است که موسی را در کاخ فرعون پرورش می‌دهد و آنچه برای مبارزه با حق ساخته شده است، در نهایت در خدمت حقیقت و عدالت قرار می‌گیرد. تمام زیرساخت‌های ماهواره‌ای و اینترنتی که در غرب ساخته شده است می‌تواند بر ضد هویت و اندیشه غربی به کار گرفته شود.

ایران عزیز نمادی از تشیع است و مردم دنیا خسته از سیطره و ظلم صهیونیسم تشنه مکتب بدیلی هستند که در معارف شیعی موج می‌زند. برای نخستین بار مردم جهان با ظلم‌ستیزی شیعه آشنا شده‌اند و اکنون نوبت مشتاقان ظهور است تا با معرفی اندیشه امامت با کمک وسایل ارتباط جمعی، زمینه ظهور امام و انسان کامل بر روی زمین را فراهم کنند.

یادداشت دانشجویی



از طرف یک راهیان نوری...

سال پیش که به اردوی راهیان رفتم، شعار شهید حسن باقری، زیر لبم زمزمه می شد: "باید به خود جرأت داد..." اما مفهوم آن برایم هویدا نبود. "یعنی چی؟! منظور شهید باقری دقیقاً چیست؟ جرأت انجام چه کاری؟" و هزاران هزار از این سوالات بی جواب. سوالاتی که اگر جواب ندهی، مثل ماری به دور ذهننت می پیچد و مجال تنفس را ازت می گیرد. اما...

امروز که نگاه می کنم، وقتی قاب برادر شهیدش را، که توسط حمله ناجوانمردانه سگ هار منطقه، اسرائیل کودک کش غاصب (لعنهم الله اجمعین) به درجه رفیع شهادت رسیده، از قاب اخبار تلویزیون می بینم، معنی جرأت برایم بهتر تداعی می شود، جرأت تنبیه متجاوز، جرأت شهید شدن، جرأت هزاران کار که موجب نابودی لشکر باطل است، خون شما ای شهید باقری عزیز، تلنگر بیداری ملت است و کابوس شیطان بزرگ و همدستانش.

"جاء الحق و زهق الباطل"

ارسالی از: محمد هادی چترایی - کارشناسی مکانیک



آن فکری که از همان لحظه ابتدایی این اتفاق در ذهن همه ی ما شکل گرفت این بود که چه باید کرد، یا دقیق ترش این که دانشگاهیان در این میان چه باید بکنند. از همان یکشنبه ای که سراسیمه خودمان را رساندیم به دانشگاه تا با یکی از اساتید در این باره میز گرد بگذاریم، تا بعدش که توی مترو یکی از بچه های خوابگاه را دیدم همه از هم همین را می پرسیدیم: «چه باید بکنیم؟»



از کجا بدانیم وظیفه ما الان چیست؟ گفتند زمان ما هم کسی زنگ خانه مان را نزد که بگوید وظیفه تو فلان چیز است، هرکس در درون خود می داند که دقیقا وظیفه اش چیست و چه کاری باید انجام دهد. پاسخ کاملا قانع کننده بود، «خود راه بگوید که چون باید رفت.»



بخواهیم مو شکافانه تر به آن نگاه کنیم، باز در چند بعد می شود به آن نگاه کرد، در بعد فردی یعنی خودمان، در بعد خانوادگی، در بعد آشنایانمان، در بعد محله و شهر و کشور و جهان و در ابعاد تخصصی رشته ها و مشاغلمان.

مشرف شده بودیم به آسایشگاه جانبازان حضرت امیرالمومنین (ع) - می گویم مشرف چون واقعا حضور در جمع آن مرد های ایستاده در نور شرف حضور می خواهد - و جانبازان عزیز بار ها به دانشجویان می گفتند: «وظیفه خود را بشناسید و آن کاری که ویژ و خاص خودتان است را انجام بدهید.» از یکی از آن بزرگواران پرسیدم

واضح بود که باید کاری می کردیم، واضح بود که دانشجوی و دانشگاهی نقشی در این میان دارد، نقشی که سال ها در گوشه کمد های انفرادی سالن های مطالعه خاک خورده بود، کمد هایی که رختکن دانشجوی های از ایران ناامید شده ای بود که درس می خواندند برای مهاجرت و همه ی ما دانشجوی های جدید و قدیمی ایرانی هر کجای ایران و جهان که باشیم باز بر سر میز یک سوال گرد هم آمدیم: «چه باید کرد؟»

اگر بخواهیم خیلی اجمالی و مختصر به آن بپردازیم می شود آن را در دو بخش طبقه بندی کرد، ابتدا بخش حضوری و بعد بخش مجازی؛ اگر

گاهی دانشجویان و اساتید ما خودشان را می‌بازند و فکر می‌کنند که کاری نمی‌شود کرد، یا صحبت کردن در این باره و نوشتن روایت دست اول آن به خصوص از جانب افرادی که دسترسی به دانشگاهیان خارج کشور دارند کار بیهوده‌ای است. اما اینطور نیست! اگرچه الان آمریکا انرژی هسته‌ای و قدرت موشکی ایران را علت تهاجم و تخاصمش خوانده اما این تنها یک پوشش مطبوعاتی برای جنگ است، چرا پیش از اینکه یک بار انرژی هسته‌ایمان را خوابانیدیم و توافق کردیم خود آمریکا برجام را پاره کرد و به آن پشت پا زد؟ چرا؟

مسئله این است که علت اصلی جنگ میان رژیم جعلی و کودک کش صهیونیستی و ایران، به توان دفاعی ایران باز نمی‌گردد که به وسیله آن قابل مهار باشد. ایران در قله‌های پدافند و تکنولوژی قرار دارد اما آنچه سرانجام این جنگ آخرالزمانی را رقم می‌زند «ایدئولوژی، اندیشه و قلم ما است.» چرا که اختلاف اصلی ما با این لکه ننگ جهانی مبنایی است و اگر احتمالا توان دفاعی ما غالب باشد ایدئولوژی ما در جهان قطعاً و یقیناً برنده خواهد بود چرا که جمهوری اسلامی ایران امروز نماینده فطرت و انسانیت است در مقابل شیطان مطلق اسرائیل پس یقیناً اگر تبیین درست صورت بگیرد غالب قلوب آزادگان عالم به سوی جبهه حق متمایل خواهد شد.



دانشگاهیان و تمامی اهالی قلم و اندیشه باید با هم متحد شوند، جبهه تشکیل بدهند و کمر به تبیین جهادگونه ببندند و در انواع محافل علمی و آکادمیک جهانی ایدئولوژی روشن و انسانی مان را شرح بدهند. امید است جوامع علمی ایران و جهان از این محافظه کاری بیرون بیایند و علم سکولار را کنار بگذارند. از اساتید محترم تقاضا داریم فرماندهی جنگ نرم را به عهده بگیرند و ما دانشجویان را برای نقش آفرینی به زبان های گوناگون در عرصه های بین المللی سازمان دهی کنند.



در جهانی که علم آتش می‌شود برای شهید کردن هزاران کودک معصوم در غزه، ایران و جاهای دیگر جهان، علم سکولار و پا بیرون کشیدن دانشمندان از موضع گیری ها یقیناً بازی کردن در زمین کودک کشان است. به تعبیر مقام معظم رهبری، دانشمند غیر سیاسی را با یک آبنبات ترش هم می‌توان فریفت؛ پس فریفته ی آبنبات ترش و تاریخ مصرف گذشته ی بی طرفی علم نشویم و علم خود را در راستای ساخت تمدن نوین

اسلامی و زدودن ظلم و ظلمت از جهان هستی به کار ببریم. این دینی است که از امام زمانان حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفدا) بر گردن ما است. باشد که خداوند بر ما منت گذارد و ما را مهره کوچکی در ظهور مهدی زهرا(س) قرار دهد. خدایا پناه می‌بریم به تو از شر علمی که به ما سودی نمی‌رساند.....

دانشگاه زیر لنز رقیب

فخر شهادت دکتر محمد مهدی طهرانچی آمد و دکتر فریدون عباسی و چند تن دیگر از اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و به دنبالش فخر شهادت علی که دانشجوی روانشناسی بود و مهدی که دانشجوی برق بود و سارا که عکاسی می خواند و زهرا که حسابداری. شاید بگویم در بهت عجیبی فرو رفتیم، بهتی نه از جنس غم که از جنس اقتفار. از اقتفار به اینکه هنوز آنقدر در دانشگاه، در همین دانشگاهی که سال ها است مورد شدیدترین بمباران های جنک شناختی و ایدئولوژیک قرار دارد هنوز نفس های زکيه و با تقوایی پیدا می شوند که خداوند برای شهادت انتقابشان کرده است... هنوز به دانشگاه امیدی هست. هنوز می شود از دل این درس های نظری و اومانیزست زده چیزی در آورد و هنوز استاد ها و دانشجو ها زنده اند. ما زنده ایم و پس از این روایت دیگری از دانشگاه را به جهان ارائه خواهیم داد. آنجا که علم و اندیشه و حکمت و خدمت و بندگی به هم می آمیزند همان جا دانشگاه است و همانجا مرکز دنیا است.



پرده چهارم

هم غزه، هم لبنان، جانم فدای ایران! این که می گوییم ما چنین مردمی بودیم تنها گوشه کوچکی از شرافت و نجابت این مردم است. گوشه کوچکی از نیم صفحه تاریخ گذشته. اما ما از این به بعد برتر از این خواهیم بود، ما حق خود و مردم جهان را از دهان زیاده خواهان و استعمارگران پس خواهیم گرفت و پرچم حکمرانی را به دارنده قطور ترین پرونده در سازمان های جاسوسی-اطلاعاتی دنیا، به قلب عالم امکان، به ابوالصالح المهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحویل خواهیم داد. مردم مظلوم جهان فکر نکنند که ایران حالا که درگیر جنگ شده پشت آن ها را خالی خواهد کرد. خیر. تنها نیروی نیابتی در جهان رژیم جعلی و کودک کش صهیونیستی است و ما با پا فشاری بر مواضع صحیح خود زیر بار هیچگونه مذلت و تحمیلی نخواهیم رفت. چه این تحمیل جنگ باشد و چه صلح. هم پیمانان ناتو بدانند با قایم شدن پشت پادگان صهیونیستی نمی توانند پای خود را از این جنگ بیرون بکشند. آن ها را از سوراخ موش هایشان بیرون خواهیم کشید و مجازات خواهیم کرد به فضل خدای متعال. ان شاءالله.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

مراتب تشکر داریم از...

از همه افرادی که علی رغم نقد های خود به کشور و یا عقیده های متفاوت همگی برای ایران کنار هم قرار گرفته اند و در آبادی از این مرز و بوم می کوشند تشکر می کنیم.

تشکر می کنیم از همه مادران، همسران، بانوانی که در این شرایط خانه را به جای امنی برای کودکان و خانواده خود قرار داده اند و در عین حال با گزارشات خود و اعتماد خود به وزارت اطلاعات علیه رژیم اشغالگر قدس مبارزه می کنند تشکر می کنیم.

از همه پدران، همسران و آقایانی که این روز ها برای درآمد خانواده خود تلاش می کنند و از کمک برای پاسداری از این منافع این سرزمین نیز می کوشند تشکر می کنیم.

از همه بچه هایی که این روز ها شجاعانه مقاومت می کنند و با معصومیت ها، بازی ها و نقاشی هایشان به ما دلگرمی می دهند تشکر می کنیم.

سروران گرامی که از راه های دور و نزدیک این نشریه را خواندید سروس ایاب و ذهاب به مقصد قدس از درب دانشگاه اصفهان آماده است.

جهت همکاری با نشریه به آیدی

@raghib-ui

در پیامرسان ایتا پیام دهید.

از نیرو های مسلح و امنیتی، کادر درمان، اهالی رسانه، آشنانشانان و هلال احمر، فعالان فرهنگی، مردمی که در شهرها و خانه هایشان به مقاومت مشغول اند، کلیه نهاد های خدمت کننده و خانواده هایشان که این روز ها سخت درگیر محافظت از ما هستند قدر دانی می کنیم.

از باغبانان عزیز، ماموران حراست و سایر کارکنان دانشگاه که در شرایط کنونی همچنان در دانشگاه مشغول به کار و صیانت هستند و برای ما تلاش می کنند سپاسگزاریم.

از انجمن های علمی دانشجویی، شورای صنفی، مجمع اسلامی، انجمن اسلامی، بسیج دانشجویی، جامعه اسلامی، مرکز مشاوره و سبک زندگی، کانون همیاران، خیریه دانشجویی سابقون، کانون های فرهنگی و تمام دانشجویانی که با تلاش مضاعف، جدید ترین اخبار دانشگاه و ایران را به هم دانشگاهی های خود مخابره می کنند تشکر می کنیم.

از کارمندان، مسئولان و کارکنان خدمت دانشگاه و اساتید گرامی که بیانیه بین المللی را امضا کردند تشکر می کنیم.

از تمام دانش آموزان، معلمان، مغازه داران، ورزشکاران، خبرنگاران، هنرمندان، دانشمندان و مردم و کنشگران مردمی که این روز ها در راه دفاع از حقیقت تلاش می کنند زحمات و فحش! های متعددی را متحمل می شوند قدردانی می کنیم.

اعضای تحریریه رقیب، وابستگان نشریه، غیر وابستگان و همگی به اتفاق بر خود لازم می دانیم که از همین تریبون از افراد و گروه های مختلف مراتب سپاس و تشکر را به جای آوریم...

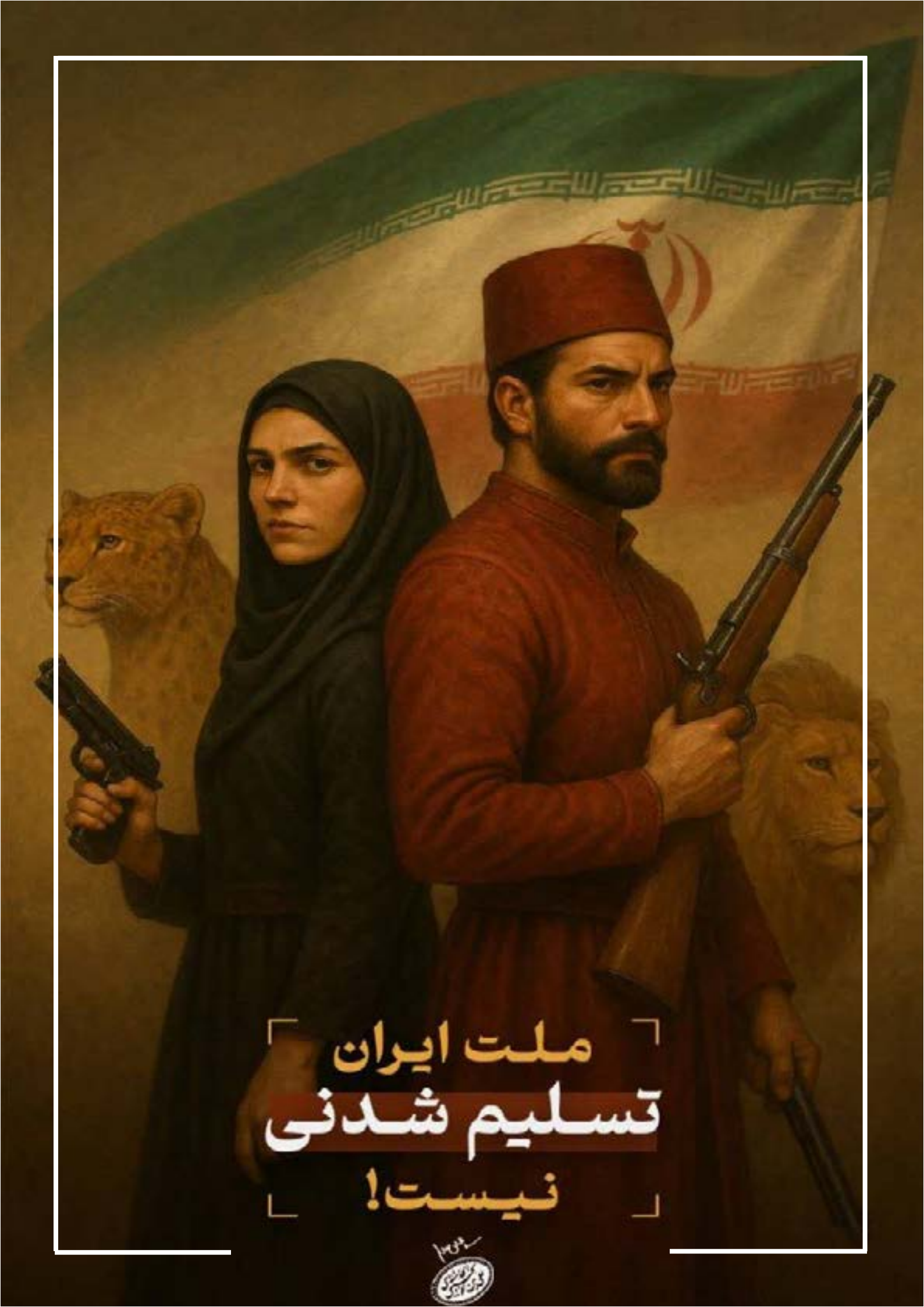
ابتدا سپاس می گزاریم خداوند مهربان را که هر آنچه این مدت از اقتدار توان دفاعی و مقاومت مردمی دیدیم و هر آنچه در عالم هستی رخ می دهد یقینا همه از جانب او است و ما از نزد خود چیزی نداریم.

از امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) تشکر می کنیم که در تمام این مدت علی رغم اشتباهات مکرر ما گوشه چشم مبارک خود را از جهان بر نداشتند و اگرچه لایق آن نبودیم اما چتر مهربانی و امداد های عینی و غیبی خود را بر سر ما گسترده.

از تمامی شهدا از ابتدای تاریخ بشریت تا کنون(بالاخص شهدای کربلا، شهدای مقاومت، شهدای دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم و امنیت) و خانواده های معزز و گرامی آن ها تشکر می کنیم که این راه روشن را با خون خود برای ما گشودند.

از آیت الله خمینی(ره) بابت هدیه کردن عزت و سربلندی دوباره به ایران تشکر می کنیم.

از آیت الله سید علی خامنه ای رهبر عزیز کشورمان، بابت فرماندهی دقیق و سریع جنگ و سخنان مهربانانه و راهگشایشان نسبت به مردم تشکر می کنیم.



ملت ایران
تسلیم شدنی
نیست!